

به نام خدا

زندگی نامه استیفن هاو کینگ

(با ضمایم و پیوست‌ها)

نویسنده: کریستین لارسن

Kristine Larsen

مترجم: کریم بصیری

ویراستار: لطیف آزادبخت



انتشارات سیفا

سرشناسه	لارسن، کریستین ام. ۱۹۶۲ - Larsen, Kristine M.
عنوان و نام پدیدآور	زندگی نامه استیفن هاوکینگ (با ضمایم و پیوست‌ها) نویسنده کریستین لارسن؛ مترجم کریم بصیری؛ ویراستار لطیف آزادبخت.
مشخصات نشر	غرم آباد: سیفا. ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۷۹ ص: مصور. نمودار: ۲۱/۵×۱۴/۵ م.
شابک	978-600-6394-16-9
وضعیت فهرست نویسی	فیا
پادداشت	Stephen Hawking: a biography. 2007.:: عنوان اصلی
موضوع	هاوکینگ، استیون ویلیام. ۱۹۴۲ - م.
موضوع	Hawking, S. W. (Stephen W.)
موضوع	فیزیکدانان -- انگلستان -- سرگذشتنامه
موضوع	کتابان شناسی
موضوع	انفجار بزرگ
موضوع	سیاهچاله‌ها (نجوم)
موضوع	فضا و زمان
شناسه افزوده	بصیری، کریم. ۱۳۲۵ - مترجم
شناسه افزوده	آزادبخت، لطیف. ۱۳۴۶ - ویراستار
ردمبندی کنگره	QC ۱۳۹۲ .۲ ۱۳۹۲
ردمبندی دیویی	۵۳۰ .۲ ۰۹۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۲۷۷۱۰۶

زندگی نامه استیفن هاوکینگ

(با ضمایم و پیوست‌ها)

ناشر: انتشارات سیفا

نویسنده: کریستین لارسن

مترجم: کریم بصیری

ویراستار: لطیف آزادبخت

صفحه‌بندی: نوید علی‌پور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۴-۱۶-۹

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۵	دیباچه.....
۷	مقدمه.....
۱۳	تقویم زندگی هاو کینگ.....
۲۹	بخش اول سرنوشت یک کودک.....
۴۱	بخش دوم آموزش علوم.....
۵۱	بخش سوم تراژدی و بیروزی.....
۷۳	بخش چهارم بچه ها و محاسبات.....
۸۵	بخش پنجم تغییرات تدریجی استیفن.....
۹۹	بخش ششم کالتک و کمبریج.....
۱۱۵	بخش هفتم فیزیک یا متافیزیک؟.....
۱۳۳	بخش هشتم چالش و مجادله.....
۱۴۹	بخش نهم پرفروش ترین کتابی که هیچ کس آن را نخواند.....
۱۶۳	بخش دهم یک حرکت جسورانه.....
۱۷۹	بخش یازدهم بازی ها، پوسته ها و قطب ها.....
۲۰۱	بخش دوازدهم کتاب ها و شرط بندی ها.....
۲۱۷	حُسن ختام.....
۲۲۳	مؤخره.....
۲۳۹	ضمایم و پیوست ها.....

دیباچه

«نظریات پیچیده و شیطنت‌آمیز او (استیفن هاوکینگ) به زبان قابل‌فهم مورد بحث متخصصین و عوام مردم است... تصویری ملموس که زینت‌بخش هر کتابخانه‌ای خواهد بود...»

"نشریه‌ی آمریکایی ستاره‌شناسی امروز"

به تأیید همگان "استیفن هاوکینگ"، مشهورترین فیزیکدان از زمان "انیشتین" تا کنون است. دست‌وپنجه نرم کردن او با بیماری ای.اِل.اس همراه با استعداد منحصربه‌فرد او به‌عنوان یک کیهان‌شناس، همکاران او و مردم عادی را به یک اندازه مجذوب خود کرده است.

در این شرح‌حال جذاب و خواندنی "کریستین لارسن" که خود یک فیزیکدان و ستاره‌شناس است، تصویری روشن و منصفانه از زندگی شخصی و حرفه‌ای هاوکینگ ارائه می‌کند. جدا از قهرمان‌پرستی‌های معمول که در برخی از نوشته‌های عامیانه در مورد هاوکینگ وجود دارد، لارسن تأکید می‌کند که

هاوکینگ اولین و بزرگ‌ترین دانشمندی است که کارهایش سهمی درخور و فراوان در دانش ما از منشأ جهان داشته است.

این کتاب مشتمل است بر مباحث گوناگون و متنوعی چون: کارهای اولیه‌ی هاوکینگ از هنگامی که دانشجوی کالج بود و هنوز تمرکز و تسلط زیادی بر روی موضوعات نداشت؛ دچار شدن او به بیماری ای.ال.اس و تأثیر این بیماری بر روی زندگی‌اش؛ کارهای بنیادی او در مورد سیاه‌چاله‌های دارای تابش؛ آخرین نظریات تأثیرگذار او در مورد سیاه‌چاله‌ها، کیهان‌شناسی و اصول انسانی؛ موفقیت حیرت‌انگیز کتاب تاریخ مختصر زمان او به‌عنوان پرفروش‌ترین کتاب علمی و موقعیت او به‌عنوان یک نماد موسیقی، پاپ و یک سخنگوی علم و جامعه.

لارسن موقعیت‌یابی می‌کند و بدلسوزی، احترام و امانت‌داری کارهای گاه‌به‌گاه و جنجال‌برانگیز هاوکینگ را در بین گستره‌ی فعالیت‌های علمی و بحث‌های عمومی و زندگی خصوصی روزمره‌ی او شرح می‌دهد.

این اثر جالب‌توجه با ارائه‌ی ملحقاتی مانند ضمیمه‌ی پیوست‌ها، منابع کاری هاوکینگ را در جزئیات شرح داده و برای دانشمندان و مردم عادی به‌طور یکسان مفید و قابل استفاده است؛ و مقدمه‌ی ارزشمندی برای زندگی این فیزیکدان شهیر و الهام‌بخش ارائه می‌کند.

کریستین لارسن استاد فیزیک و ستاره‌شناسی دانشگاه ایالتی کنتیکت و مؤلف کتاب «کیهان‌شناسی ۱۰۱» و مقالات زیادی در نشریات فاخر علمی است.

«برگرفته از پشت جلد کتاب»

مقدمه

"هی! استیسن هاو کینگ تو این فیلم چیکار می کنه؟"

با لپ تاپم مشغول کار کردن روی همین کتابی بودم که اکنون در دست شما است. سرم را از روی صفحه ی لپ تاپ بلند کردم و با چشمان خواب آلوده به صفحه ی تلویزیون خیره شدم. کانال $Fc1\ Fi$ که من اغلب آن را نگاه نمی کنم، مشغول پخش فیلمی به نام اشتباه پایانی^۱ در مورد یک ویروس رایانه ای سال ۲۰۰۲ بود. فیلم توسط شبکه ی PAX تهیه شده بود. آنچه که توجه مرا جلب کرد وجود یک شخصیت در این فیلم بود. یک مرد فلج بر روی یک صندلی چرخ دار. یک مرد برجسته ی متخصص در رایانه که تنها می توانست توسط صدای رایانه ای که روی صندلی چرخ دارش نصب شده بود، با دیگران ارتباط برقرار کند. هنرپیشه ظاهراً دارای جسمی سالم بود و رایانه ی کوچکی داشت که با سرعت نور کار می کرد و در مقابل کلیک های پر زحمت هاو کینگ مقاومت می کرد؛ اما بیننده بی تردید مطمئن بود که با دانشمند معروف ارتباط برقرار کرده است.

چگونه یک فیزیکدان نظری که مقالات فنی او عمده تاً شامل ریاضیات مبهم و نمودارهایی بود که به سرعت کشیده شده اند و تنها توسط دیگران قابل تفسیرند و

^۱ Terminal error

با زبانی رمزی از نسبت عام صحبت می‌کند، به چنین نماد شناخته‌شده‌ای تبدیل شده که نقش شخصیت اصلی فیلم را به عهده دارد؟ چرا کتاب "تاریخ مختصر زمان"^۱ او با وجود این که خواندن آن مشکل است و برای عامه نوشته‌شده، رکورد فروش کتاب، در انگلستان را شکسته و در آمریکا در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفته است؟

چه کسی می‌توانست تصور کند که زندگی شخصی او مورد مذاقه‌ی رسانه‌هایی قرار گیرد که تشنه‌ی یک اشاره برای برپا کردن یک فضاقت هستند. آنچه که من سعی کرده‌ام در این کتاب مشخص کنم، [اشاره به این] تناقضات زندگی هاو کینگ است.

من به‌عنوان یک دانش‌آموخته در نظریه‌ی نسبت عام، در دهه‌ی ۱۹۸۰ در چندین کنفرانس که هاو کینگ حضور داشت، حاضر بودم و این اقبال را داشتم که سخنرانی‌های او را گوش کنم. این تاریخ مصادف بود با اولین سالی که او قدرت تکلم خود را از دست داده بود و برایش صدای رایانه‌ای نصب کرده بودند. حضور او به هر جمعی، یک ویژگی منحصر به فرد می‌داد. هنگامی که می‌چرخید همه‌ی سرها به‌سوی او برمی‌گشت. او نسخه‌ای از قیصر روم در عصر جدید است. سوار بر ارابه‌اش که توسط دانشجویان، حاضرین و ژنرال‌های همراهی با احترام مشایعت می‌شود. یک بار چند دوجین از ما در یک اتاق کوچک تنگ هم نشسته بودیم و

^۱ این کتاب با عنوان "تاریخچه‌ی زمان" به زبان فارسی ترجمه شده است. اما به عقیده‌ی من استفاده از عبارت "تاریخچه" نمی‌تواند ترجمه‌ی مناسبی برای منظور هاو کینگ از عنوان کتابش باشد. تاریخچه بیان‌کننده‌ی فرایندی است که ابعاد زمانی محدودی را در بر می‌گیرد و اشاره‌ای به منشأ شکل‌گیری زمان ندارد. اما منظور هاو کینگ اشاره به مفهومی کیهانی از زمان و منشأ آن است. بنابراین شاید عبارت "تاریخ مختصر زمان" بهتر بتواند این معنا را انتقال دهد؛ زیرا مفهوم زمان را در تمام ابعاد آن در خود مستتر دارد.

داشتیم به یک سخنرانی علمی گوش می‌کردیم. هاو کینگ در آنجا حاضر بود و با وجود این که سخنرانی نمی‌کرد حضورش را احساس می‌کردیم. ناگهان آهنگ آهسته‌ی یک کلیک شنیده شد. من به‌سوی صدا برگشتم. هاو کینگ را دیدم که دارد با موسی، پرستی را طراحی می‌کند تا با پیش‌بینی نتیجه‌ی بحث از سخنران بپرسد. پیش‌خودم برای سخنران اظهار تأسف کردم و دعای شکر به‌جا آوردم که به‌جای او نبودم.

بی‌تردید فکرِ سؤال کردن یک نوجه‌ی تازه فارغ‌التحصیل شده (مثل من)، از مغز متفکری مانند هاو کینگ، کافی بود تا شعله‌ی ترس را در دلم ایجاد کند. من به‌اندازه‌ی کافی خوش‌شانس بودم که شوخی‌های دست‌اول او را بشنوم. در دسامبر ۱۹۸۶ سمپوزیوم اخترفیزیک نسبیتی نگراس، در شیکاگو برگزار شد. متوجه شدم که مرا هم به یک مهمانی خصوصی در اتاق هتل‌ی که هاو کینگ در آن اقامت داشت، دعوت کرده‌اند. من و همکارانم پنداشتیم که ممکن است این یک شوخی باشد که از جانب کسی انجام گرفته است. بدون توجه به اتاق مورد بحث رفتیم. در باز شد. نفس عمیق و تکان‌دهنده‌ای کشیدیم؛ یکی از پرستاران هاو کینگ به ما خوش‌آمد گفت و از ما خواست که از اتاق‌هایمان لیوان‌های بیشتری بیاوریم. چون تعداد لیوان‌های آنها کم بود. بعد از یک نگاه خیره و مشتاقانه به هاو کینگ که داخل اتاق بود، به‌سوی اتاق‌هایمان دویدیم و لیوان‌ها را آوردیم. من دیوانه‌وار شماره تلفن اتاق استاد راهنمای پایان‌نامه‌ام "رونالد مالت" را گرفتم. که بی‌خبر از این ماجرا زودتر رفته بود تا بخواهد؛ اما نتوانستم او را پیدا کنم. وقتی به اتاق هاو کینگ برگشتم، به او زنگ زدم، هنگامی که بالاخره جواب داد، در حد توان قدری ساکت ماندم تا موقعیت را به او بفهمانم؛ و عاقبت به او گفتم:

- رون! بیا پایین.

- چرا کریس؟

- اینجا اتاق هاو کینگ است. ما اینجا مهمانی داریم.

بر اساس نظر بهی انیشتین، حداکثر سرعت در جهان، سرعت نور است اما به هر طریق که بود، رون دوباره لباس پوشید و سریع تر از نور خود را به آنجا رساند. من مدتی را با هاو کینگ صحبت کردم؛ اما نه درباره ی فیزیک یا مفهوم زندگی بلکه در مورد خانواده. به او گفتم: مادر بزرگ من که بسیار به من افتخار می کند، تنها نام دو نفر از دانشمندان حال حاضر را می داند، هاو کینگ و کارل ساگان. استیفن درباره ی بچه هایش صحبت می کرد و می گفت که لوسی در نظر دارد متخصص تاریخ شود. همچنان که پدر هاو کینگ نگران پیدا کردن کار توسط او بود، هاو کینگ نیز همین نگرانی را در مورد دخترش لوسی داشت. این مرد فوق العاده، نگرانی های کاملاً معمولی زندگی خود را درباره ی بچه هایش با من در میان گذاشت. همین امر گاه [نشان دهنده ی این است که] مطالعه ی جنبه هایی پوشیده از زندگی هاو کینگ انسانیت او را روشن می کند. فارغ التحصیلانی مانند من او را مانند یک قهرمان قابل پرستش مجسم می کنند، (زیرا علیحدگی او بر مشکلات جسمانی اش کمتر از پیروزی اش در پیچیدگی های فیزیک طاری نبوده است) به هر حال در پایان روز او با ما مانند والدین ما بود.

هاوکینگ تأکید کرد که او زندگی‌نامه‌ی خودش را نمی‌خواند؛ و من می‌دانم که کتاب مرا نیز نخواهد خواند. اگرچه آرزوی صادقانه دارم که آن را بخواند. اگر این کار را بکند خود را در این کتاب آن‌گونه که واقعاً هست، خواهد یافت.

آنچه را که خواننده در این کتاب می‌بیند، واقعاً مداهنه و چاپلوسی نیست. بلکه همه‌ی آن واقعی است؛ و چنین است زندگی هر شخص مشهوری، هنگامی که برگ‌های زندگی او ورق زده شوند. حقایق زندگی خانوادگی او علی‌رغم مشارکت فراوانش در حوزه‌ی فیزیک نظری دارای تعادل بود؛ و با توجه به بررسی مشروحی که [در این کتاب] صورت گرفته است، انتظار می‌رود که خوانندگان غیرمتخصص نیز بتوانند از آن بهره لازم را ببرند.

فهرستی از نوشته‌های هاوکینگ در سال ۲۰۰۲ به‌روز شده که شامل دویست مقاله و کتاب است اما تعدادی از آن‌ها که شامل سخنرانی‌های تخصصی است از قلم افتاده است. بنابراین غیرممکن است در کتابی به این حجم بتوان درباره‌ی همه‌ی کارهای او بحث کرد؛ اما خواننده این شانس را دارد تا وسعت و عمق تأثیر او بر مطالعات سیاه‌چاله‌ها و جهان را دریابد. علاوه بر شناخت هاوکینگ به‌عنوان یک انسان، نه تنها می‌توان به نقش و جایگاه او پی برد؛ بلکه می‌توان فهمید که چرا "تاریخ مختصر زمان" تبدیل به یک فیلم شده است.

در پایان دوست دارم از "رونالد مالت" و "آماکی" برای نظریات بی‌نهایت سودمندشان؛ از "بری آلسبری" برای روشننگری‌هایش؛ از "گری سیسلاک" برای تحمل و پشتیبانی بی‌دریغش؛ و از کارمندان کتابخانه‌ی "الیو بوریت" مخصوصاً "امیلی چیس" برای کمک‌های مفیدشان در تحقیقاتم تشکر کنم. در نهایت این کتاب را تقدیم می‌کنم به همه‌ی کسانی که جرأت می‌کنند بر فراز همه‌ی محدودیت‌هایشان پرواز کنند. مخصوصاً همه‌ی کسانی که مبتلا به A.L.S^۱ هستند.

هاو کینگ می‌گوید: دوست دارم دیگران در مورد من
به عنوان یک دانشمند که دچار معلولیت شده، فکر
کنند تا یک دانشمند معلول.

^۱ Amyotrophic Lateral Sclerosis: یک بیماری لاعلاج که در آن کنترل ماهیچه‌های ارادی از دست می‌رود.